

نقش فقه بر تربیت اجتماعی؛ با رویکرد الگودهی سبک زندگی جامعه اسلامی

□ زهرا علوی *

□ سید موسی واعظی **

چکیده

اسلام تنها دینی است که اساس و شالوده اش را بر اجتماع بنا نهاده و در هیچ شانی از شوون بشری، مساله اجتماع را مهمل نگذاشته است. در این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی با مراجعه به منابع مورد نیاز، فیش برداری، گردآوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات انجام گرفته است. هدف مقاله تبیین موضوع تاثیر فقه بر تربیت اجتماعی؛ با رویکرد الگودهی سبک زندگی جامعه اسلامی می باشد. نتایج نشان می دهد دانش فقه تاثیر زیادی در سبک زندگی جامعه دارد؛ فقه با القای حس برادری میان افراد جامعه، بین آنان پیوند برادری برقرار نموده بنابراین آنها را به سوی همکاری در نیکی ها و تلاش جمعی برای جامعه فرامی خواند. همچنین با ایجاد دانش افزایی، افراد جامعه را تشویق به مسئولیت مداری می نماید. پرداخت خمس، زکات، انفاق و ... پیوند مستحکمی میان اعضای جامعه اسلامی برقرار نموده و سبک خاصی از زندگی در جامعه اسلامی دیده می شود. از سوی دیگر فقه با بیان مواردی چون؛ کم فروشی، رشوه، ربا، قمار و ... و رذائل اخلاقی جامعه اسلامی را از ضرر و آسیب ها دور می سازد.

کلیدواژه ها: تربیت اجتماعی، فقه، سبک زندگی، جامعه اسلامی، تاثیر.

* دانش آموخته دکتری علوم قرآن، گرایش قرآن و تربیت، جامعه المصطفی ص العالمیه، قم (Tahere.7521@gmail.com).

** دانش آموخته سطح ۴ رشته فقه سیاسی جامعه المصطفی ص العالمیه قم (s.musa.vaezi@gmail.com).

مقدمه

تردیدی نیست که انسان موجودی اجتماعی است. توجه به جامعه یکی از اساسی‌ترین تعلیمات قرآن و روایات می‌باشد؛ حضور موثر احکام اسلامی در سبک زندگی اسلامی از شاخصه‌های جامعه اسلامی است. سبک زندگی و اداره جامعه موضوعی است که از گذشته بسیار دور مورد نزاع بوده که باعث شده بعضی مخصوصاً غربیان به دنبال راهکارهایی باشند و قوانین و احکام حکومتی را مطرح نمایند که عموماً با بن بست مواجه شده اند. اما قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام که مملوء از تعالیم و حیانی است در ارائه سبک زندگی در جامعه، قوانین و مولفه‌هایی را بیان می‌دارد که به سلامت و رشد اجتماعی جامعه کمک زیادی می‌کند و بر این اساس فقه اسلامی با توجه به منابع راهنمای اساسی برای جامعه است.

علم فقه از افتخارات بزرگ جهان اسلام بوده و حیات جامعه اسلامی به آن وابسته است. بنا به دیدگاه امام خمینی علیه‌السلام احکام فقهی ناظر بر تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی مکلفین است. وی حکومت را نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی می‌داند. (خمینی، ۱۳۸۹، ۲۸۹/۱)

فقیهان هدف از تدوین فقه را ارائه مسائلی برای سامان بخشیدن به زندگی دنیوی مکلفان و سعادت اخروی آنان با توجه به منابع فقهی یعنی قرآن و سنت می‌جدانند. با اهتمام نویسندگان در حوزه دین، شاهد وجود کتب فقهی بسیاری هستیم که از جمله می‌توان به «جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام» محمدحسن نجفی، «العروه الوثقی» محمد کاظم طباطبایی یزدی، «الروضه البهیمه فی شرح اللمعه الدمشقیه» و «مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام» شهید ثانی و... به بیان احکام عام و وابسته به جامعه پرداخته اند.

تجویزهای اسلام در قالب دانش فقه بیان شده است تا قوانین مربوط به جامعه اسلامی را ترسیم نماید. دانش فقه در جامعه با بیان قوانین مربوطه درصدد است جامعه اسلامی را به رشد رهنمون نماید. بنابر این بررسی احکام و مؤلفه‌هایی که کارآمدی و تاثیر زیادی بر زندگی جامعه اسلامی دارد ضرورت می‌یابد. بنابراین هدف مقاله پاسخ‌گویی به فردی است که اسلام را فقط برای ساحت عبادی و فردی معرفی می‌کنند. با ترسیم و بیان احکام اجتماعی

دین اسلام، که چگونه موجب تنظیم روابط انسانی شده و جامعه را در مسیر پیشرفت و تکامل قرار می‌دهد، ضرورت این تحقیق روشن می‌گردد. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی درصدد است نقش اجتماعی دین اسلام را تبیین و تاثیر قوانین فقهی اسلامی را بر سبک زندگی جامعه اسلامی مورد بررسی قرار دهد که گرد آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات در فضای کتابخانه به مرحله اجرا در آمده است.

۲. مفهوم‌شناسی

در سامان بخشی یک تحقیق علمی، بیان مفاهیم اصلی امری ضروری است؛ زیرا آشنایی با آنها ضمن آنکه در مهندسی مناسب آن تحقیق اثرگذار است در دست یابی به اهداف مد نظر نیز سودمند خواهد بود. از این رو پیش از ورود به مباحث اصلی، به بیان مفاهیم اصلی همراه با توضیحی مختصر می‌پردازیم.

۲-۱. فقه

فقه در لغت، به معنای دانستن و فهمیدن است (جوهری، ۱۴۰۴، ۲۲۴۳/۶، ابن فارس، ۱۳۹۰، ۴/۴۴۲)، به معنای درک کردن چیزهای مخفی نیز آمده است. (عبد الناصر، ۱۴۱۱، ۹/۱). راغب در مفردات، آن را پی بردن از معلومات حاضر به معلومات غایب معنا کرده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۶۴۲) واژه فقه در معنای اصلاحی، از معنای لغوی اش دور نیست و مفهوم درک عمیق و ژرف اندیشی با آن همراه است. مولف لسان العرب نیز چنین می‌نگارد: «فقه به معنای علم و آگاهی است و استعمال آن در آگاهی از علم دین، به دلیل شرافت و سیادت این علم بر سایر علوم غلبه پیدا کرد». (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۵۵۲/۱۳)

۲-۲. تربیت

تربیت در لغت از ماده «ربا» به معنی «زاد و نما»؛ افزایش یافت، نمو کرد، گرفته شده است. (فیومی، بی تا، ۲۱۷، طریحی، ۱۳۷۵، ۱۳۸/۲-۱۳۹). در لسان العرب، می‌نویسد: «ربا الشیء یربو ربواً ورباءاً: ای زاد و نما» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۳۱۴/۱۴)

هم‌چنین تربیت از کلمه «ربّ» به معنی مالک، سید و مربّی اشتقاق می‌یابد و این‌گونه معنی می‌شود: انجام وظیفه کردن به شیوه نیکو و پسندیده.

«ربّ ولده و الصبی یربّه ربّاً» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۳۹۹/۱) یعنی کودک خود را نیکو تربیت کرد و برای او به نحو شایسته انجام وظیفه نمود.

در عبارات فقها اصطلاح خاصی در تعریف تربیت یافت نشد و مقصود آن‌ها از این واژه همان معنی لغوی است، بدان جهت به زنی که طفل را شیر می‌دهد و او را نظافت و نگهداری و در جهت مصلحت او انجام وظیفه می‌نماید «مربیّه» می‌گویند. (محقق حلی، ۱۳۸۵، ۵۴/۱. نجفی، ۱۳۶۲، ۲۳۱/۶. خوانساری، ۱۴۰۵، ۲۲۲/۱).

یکی از صاحب نظران در حوزه تربیت اسلامی، تربیت را این‌گونه تعریف نموده است:

فرایند یاری رسانی به یک انسان (مربی) برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری که به واسطه عامل انسانی دیگر به منظور دستیابی وی به کمال انسانی و شکوفا کردن استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهایش صورت گیرد. (اعرافی، ۱۳۹۵، ۱۴۰/۱)

۲-۳. تربیت اجتماعی

اجتماع در لغت به جمعیت، (الیاس، ۱۳۸۵، ۲۸۳/۲). گرد آمدن، تجمع (دهخدا، ۱۳۷۲، ۸۷۹) «زندگی منظم گروهی که محل سکونتی نسبتاً با دوام دارند»، اطلاق می‌شود. ده‌ها و شهرها از انواع اجتماع اند. (برن‌آگ، ص ۲۷۵)

تربیت اجتماعی عبارت است از «فرایند شکوفاسازی میل فطری آدمیان به زندگی جمعی و دیگرگرایی و پرورش آنان برای سازگاری، همگرایی، برادری، عدالت‌ورزی، احسان و مواسات در راستای دستیابی به حیات طیبه و تشکیل امت واحده اسلامی متبلور در مدینه النبی». (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۷، ۱۵۸)

۲-۴. سبک زندگی

عبارت «سبک زندگی» اولین بار توسط «آلفرد آدلر» در روانشناسی در سال ۱۹۲۹ میلادی ابداع

شد. این عبارت به منظور توصیف ویژگی‌های زندگی آدمیان مورد بهره برداری قرار گرفت. در کتاب‌های لغت انگلیسی، این واژه در معانی کم و بیش مشابهی به کار برده شده است: «سبک‌های زندگی مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌ها در هر چیزی را در بر می‌گیرد. موسیقی عامه، تلویزیون، آگهی‌ها، همه و همه، تصویرها و تصویرهایی بالقوه از سبک زندگی فراهم می‌کنند. (www.wikipedia.15/5/90.)

در واقع سبک زندگی مفهومی گسترده است که هر یک از صاحب‌نظران با توجه به رویکردهای نظری و حوزه تخصصی، تعریف جامعی برای سبک زندگی ارائه کرده است. سبک زندگی عبارت است از: «مجموعه رفتارهای مرجحی که دارای الگو بوده، توسط افراد یا گروهها برگزیده می‌شود و می‌تواند تجلی نگرش‌ها و گرایشهای آنان و وجه تمایز آنان از سایرین باشد» (مهدوی کنی، ۱۳۹۲، ۲۳)

سبک زندگی اسلامی از منظر مقام معظم رهبری اینگونه تعریف شده است: «زندگی‌ای که در راه خدا و برای رسیدن به هدفهای عالی مورد نظر اسلام باشد به گونه‌ای که ضمن توجه به دنیا و تأمین همه‌ی خیرات مورد علاقه‌ی انسان که از یک معیشت شایسته و مناسب برخوردار باشد، در این گونه زندگی متوقف نشده و از آن عبور کرده و به سمت اهداف الهی و آخرتی نیز حرکت نماید». (احمدی، ابوالفضل (۱۳۹۸) سبک زندگی اسلامی در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، دوره ۱۴، شماره ۳۹، ۱۴۸-۱۲۱).

سوبل: سبک زندگی را، مجموعه‌ای از رفتارهای قابل مشاهده و بیانگرانه در میان افراد می‌داند. (همان، ۱۳۹۸، ۱۲۳)

۳. نقش فقه در تربیت اجتماعی

شناخت و معرفت نخستین گام در هر حرکتی است. امام علی علیه السلام خطاب به کمیل، فرموده است: «یا کُمیلُ، ما مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَ أَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ؛ هیچ حرکت و فعالیت نیست مگر آنکه تو در انجام آن به علم و معرفت نیاز داری» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ۱۷۱) دانش فقه نیز تلاش می‌کند تا اهمیت و ضرورت زندگی اجتماعی را بیان نموده تا با ایجاد معرفت و

آگاهی برای دستیابی به حیات طیبه و تشکیل امت واحده اسلامی، جامعه را آماده سازد. آگاهی بخشی و بینش افزایی در مورد ضرورت زندگی اجتماعی و برکات همگرایی در زندگی جمعی، فرد را به زندگی اجتماعی سوق داده و از فرد گرایی و عزلت گزینی رهایی می بخشد. برخی از موارد بینش افزایی فقه در تربیت اجتماعی عبارتند از:

۱-۳. القای حس برادری میان افراد جامعه

فقه با توجه به آیات روح بخش قرآن، که یکی از منابع آن است با قرار دادن پیوند بین افراد جامعه، آنها را برادر معرفی نموده و بر اساس ایمان، روح برادری بین مسلمانان به وجود می آورد: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ» (حجرات: ۱۰) پس مسلمانان، از هر نژاد و قبیله و دارای هر زبان و سن و سال به یکدیگر بی تفاوت نیستند. بلکه مانند یک خانواده در هر شرایط در کنار یکدیگرند.

بر اساس فرموده رسول اکرم ﷺ مسلمان برادر مسلمان است، هرگز به او ستم نمی کند، او را خوار نمی سازد و او را حقیر نمی سازد: «لُمُسْلِمٌ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ وَلَا يَكْذِبُهُ وَلَا يَحْقِرُهُ» (فیض کاشانی، ۱۴۰۳، ۳، ۳۳۲)

اخوت و برادری باعث همبستگی افراد جامعه شده تا آنجایی که طبق فرموده امام صادق ع مومنان به منزله اعضاء یک پیکرند: «المومن اخ المومن كالجسد الواحد....» (کلینی، بی تا، ۱۶۶/۲)

با آگاهی بخشی قرآنی فقه، پیوند برادری میان افراد جامعه احساس می شود و برادری افراد جامعه موجب ایجاد روح دوستی و همکاری و همبستگی شده و این امر از ویژگی های ممتاز یک جامعه اسلامی است.

۲-۳. همکاری در نیکی ها و دوری از ستمکاری

برای ارائه سبک زندگی در جامعه، فقه احکام و معیارهایی را بیان می دارد که یکی از آنها تعاون و همکاری در جامعه می باشد. ضرورتی اجتناب ناپذیر و این امر در قرآن کریم مورد تاکید قرار گرفته است: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده: ۲)

معنای تعاون، بر و تقوا به این است که جامعه مسلمین بر تقوا و یا به عبارتی بر ایمان و عمل صالح ناشی از ترس خدا اجتماع کنند و این همان صلاح و تقوای اجتماعی است و در مقابل آن تعاون بر گناه- یعنی عمل زشت که موجب عقب افتادگی از زندگی سعیده است، - و بر "عدوان" که تعدی بر حقوق حقه مردم و سلب امنیت از جان و مال و ناموس آنان است، قرار می‌گیرد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۶۶/۵)

پیامبر اسلام ﷺ به اهمیت همدلی و تعاون در جامعه اشاره نموده و آن را بهتر از روزه و اعتکاف یک ماه است دانسته است: «والله لفضل لقضاء حاجة المؤمن خیر من صیام شهر واعتکافه» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۵۶۶/۱۱)

هدف فقه ساختن جامعه ای مطلوب است که با الهام گیری از قرآن تعاون اجتماعی را، در جامعه تاکید می‌کند. از این رو افراد جامعه اسلامی به یکدیگر احساس مسئولیت نموده و این امر موجب حرکت جامعه به سوی کمال و ترقی می‌گردد.

۳-۳. تحولات اجتماعی در گرو تلاش‌های جمعی

بر اساس بینش افزایی قرآنی فقه، جامعه مطلوب نیازمند تلاش جمعی و گروهی برای رسیدن به اهدافش می‌باشد زیرا جامعه متشکل از افراد گوناگون و نژادهای متفاوت و.... است. قرآن به مردم جامعه می‌آموزد که برای رسیدن به کمال و پیشرفت همه آنها باید در تلاش باشند: «انَّ اللّٰهَ لَا یَغَیِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتّٰی یَغَیِّرُوْا مَا بِاَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱)

در تفسیر این آیه آمده است: «جمله إن الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم که در دو مورد از قرآن با تفاوت مختصری آمده است، یک قانون کلی و عمومی را بیان می‌کند، قانونی سرنوشت‌ساز و حرکت آفرین و هشدار دهنده! این قانون که یکی از پایه‌های اساسی جهان بینی و جامعه‌شناسی در اسلام است، به ما می‌گوید مقدرات شما قبل از هر چیز و هر کس در دست خود شما است و هر گونه تغییر و دگرگونی در خوشبختی و بدبختی اقوام در درجه اول به خود آنها بازگشت می‌کند، شانس و طالع و اقبال و تصادف و تاثیر اوضاع فلکی و مانند اینها هیچکدام پایه ندارد، آنچه اساس و پایه است این است که ملتی خود بخواهد سربلند و سرفراز و پیروز و پیشرو باشد، و یا به عکس خودش تن به ذلت و زبونی و شکست در دهد، حتی لطف

خداوند، یا مجازات او، بی مقدمه، دامن هیچ ملتی را نخواهد گرفت، بلکه این اراده و خواست ملتها، و تغییرات درونی آنهاست که آنها را مستحق لطف یا مستوجب عذاب خدا می سازد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ۱۰/۱۴۵)

ظلم ستیزی در جامعه اسلامی نشأت گرفته از این بینش و اصل قرآنی است.

۳-۴. همفکری و مشورت

با توجه به منابع فقه اسلامی یعنی قرآن و روایات، مردم به بینش و معرفت اجتماعی رهنمون شده و به برکات همگرایی در زندگی اجتماعی آشنا می گردند. فقه با توجه به قرآن و روایات اعلام می کند؛ برای دستیابی به راهکار مناسب، کمک گرفتن از افکار دیگران بهترین پشتوانه مردمی است. همفکری افراد جامعه باعث تحکیم روابط بین افراد و حرکت به سوی پیشرفت و ترقی است زیرا انتخاب بهترین روش از میان چند روش است. بنابراین قرآن افراد جامعه را به همفکری و مشورت فرا می خواند «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شوری: ۳۸)

در تفسیر این آیه چنین آمده است: «شوری و مشورت، مربوط به امور اجتماعی مردم است، نه احکام و دستورات دینی. (قرآنی، ۱۳۸۳، ۸/۴۱۵)

در روایات نیز به جهت سلامت جامعه و رسیدن به اهداف والای انسانی در امور فردی و اجتماعی تاکید به مشورت و همفکری شده است. حضرت علی علیه السلام به دست آوردن راه درست را در مشورت کردن می داند. «لا صواب مع ترك المشورة» (تمیمی، ۱۳۷۵، ۱/۷۶۹)

بر اساس مشورت گرایی، جامعه اسلامی، درست ترین و بهترین ها را انتخاب نموده و رشد می یابد. زیرا راهکار مشکلات بر اساس مشارکت فکری افراد بوده و این امر از بینش افرادی مهم فقه در جامعه اسلامی به شمار می رود.

۳-۵. استواری جامعه با رعایت بنیان های اخلاقی

جامعه زمانی از ارتباط اجتماعی مستحکمی برخوردار است که بنیان های اخلاقی رعایت شود؛ میان اخلاق و روابط اجتماعی، رابطه تعاملی برقرار است که تعامل به معنای تاثیر و تاثر متقابل می باشد. از این رو فقه اسلامی همواره به بینش دهی در این باب پرداخته و توصیه اکید

در رعایت اخلاق اسلامی در جامعه دارد.

قرآن کریم با تمجید از نرم‌خویی رسول خدا ﷺ تأکید می‌کند که اگر ایشان تندخو می‌بود، مردم از اطرافش پراکنده می‌شدند. «فبما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم في الامر فاذا عزمت فتوكل على الله ان الله يحب المتوكلين» (آل عمران: ۱۵۹)

نظام حکومتی اسلام، بر مبنای محبت و ارتباط تنگاتنگ با مردم است و تاریخ نشان می‌دهد که هرگاه در جامعه ای رفتارهای اخلاقی و روابط اجتماعی مقرون یکدیگر باشند، صلح و آرامش در آن جامعه حاکم می‌گردد.

اخلاق در جامعه اسلامی از جایگاه بسیار بالایی برخوردار است تا آنجایی که رسول اکرم ﷺ اسلام را همان اخلاق نیک بیان می‌دارد: «الاسلام حسن الخلق» (متقی هندی، ۳، ۱۷) از این رو فقه اسلامی مدام به جایگاه و اهمیت حسن خلق، تواضع، بردباری و شرح صدر، عفو و گذشت و مدارا کردن، خوش گمانی، صله رحم، تغافل، رازداری و انصاف و... پرداخته و به این وسیله زمینه روابط اجتماعی مناسب و آرامش را فراهم می‌آورد.

۴. مسئولیت اجتماعی

فقه اسلامی پس از ایجاد معرفت اجتماعی و آگاهی بخشی به پرورش روح مسئولیت‌مداری و وظیفه‌مندی در افراد جامعه پرداخته و با تعیین احکام و قوانین، جامعه اسلامی را تشویق به وظیفه‌مندی و مسئولیت‌مداری می‌نماید. قوانینی که با عملی شدن، ساختار اجتماعی خاصی حاکم بر جامعه اسلامی می‌گردد و عامل موثر مهمی بر سبک زندگی جمعی است. برخی از این قوانین و دستورات دینی عبارتند از:

۴-۱. خمس

فقه با بینش‌دهی و تبیین آثار خمس، افراد جامعه اسلامی را تشویق به ادای این فریضه الهی می‌نماید و اعلام می‌دارد که: «وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ...» (انفال: ۴۱)

در تفسیر این آیه آمده است: «کلمه (غم) و (غنیمت) به معنای رسیدن به در آمد از راه تجارت و یا صنعت و یا جنگ است، و لیکن در این آیه بملاحظه مورد نزولش تنها با غنیمت جنگی منطبق است». (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۹/ ۱۱۷)

پرداخت خمس راهی برای تعدیل ثروت، مبارزه با تکاثر و رسیدگی به محرومان و تهی دستان در جامعه است. امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید «انَّ الْخُمْسَ عَوْنُنَا عَلَى دِينِنَا وَ عَلَى عِيَالِنَا وَ عَلَى مَوَالِينَا» (کافی، ۱، ۵۴۷)

در جامعه افراد گوناگون و با شرایط مالی متفاوت زندگی می کنند اما بر اساس احکام فقهی که برخاسته از قرآن و روایات است، دادن یک پنجم درآمد و سود افراد به آنها باعث عدالت در جامعه می شود و نقش مؤثری در فقرزدایی از جامعه ایفا کرده و از ایجاد شکاف های اجتماعی جلوگیری می کند.

۲-۴. زکات

فقه برای تامین نیاز مالی جامعه دستور قرآنی و روایی را به افراد جامعه اعلام می دارد:

«وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ...؛ نماز بپا دارید و زکات بدهید (بقره: ۱۱۰)

خداوند در اموال ثروتمندان سهمی برای فقرا قرار داده که اگر اجرایی شود دیگر شاهد بسیاری از مشکلات و مصیبت ها نیستیم، زکات به معنی تزکیه و پاک کردن مال بوده و پرداخت کننده زکات تمایلات دنیوی را در خود کمرنگ می کند تا به تزکیه باطن دست یابد.. از بین بردن تبعیض و اختلاف طبقاتی در جامعه از مهم ترین کارکردهای پرداخت زکات است از این رو یکی از مفسیرن زکات را «رمز همبستگی اجتماعی» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱/ ۴۰۰) معرفی می کند.

زکات به عنوان پشتوانه مالی برنامه اقتصادی در جامعه عمل می کند و موجب توازن اقتصادی می گردد. زیرا هر جامعه ای دارای افراد از کار افتاده، بیمار، یتیم بی سر پرست، معلول و امثال آنها می باشد، که باید مورد حمایت قرار گیرد.

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر همه مردم زکات اموال خود را بپردازند، مسلمان فقیر و نیازمند

باقی نخواهد ماند.... و مردم فقیر، محتاج، گرسنه و برهنه نمی شوند، مگر به خاطر گناه ثروتمندان. (حر عاملی، ۶، ۶)

به واسطه این تدبیر اجتماعی شرعی، انسان از حق خالقش برای مسکینان و فقرا کنار می‌گذارد و از مالش خارج می‌کند که این امر میان اغنیا و فقرا محبت، برکت و رحمت ایجاد نموده و یکی از راه‌های تامین نیازهای جامعه می‌گردد.

۳-۴. انفاق

انفاق مستحب که به صورت قرض الحسنه و وقف‌های گوناگون در جامعه اسلامی عینیت پیدا می‌کند، تاثیر خاصی به زندگی اجتماعی افراد دارد. ثروت به دست نیازمندان نیز می‌رسد و فاصله طبقاتی میان ثروتمند و فقیر کمتر می‌شود؛ بخش زیادی از گناهان و جرم‌های ناشی از فقر از جامعه ریشه کن می‌شود؛ مردم نسبت به یکدیگر مهربان‌تر می‌شوند و احساس مسئولیت بیشتری می‌کنند و در نهایت آرامش و امنیت در جامعه حاکم می‌شود.

فقه با تاکید به آیه نورانی «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره: ۱۹۵) افراد جامعه اسلامی را به اعطای بخشی از اموال به نیازمندان تشویق نموده است.

انفاق یعنی خرج مال در راه خدا اعم از واجب و مستحب (قرشی، ۱۳۷۸، ۹۷/۷) توسط این تدبیر اجتماعی شرعی، ثروت میان فقرا توزیع و جلوگیری از انحصار آن در دست ثروتمندان می‌گردد.

۴-۴. امر به معروف و نهی از منکر

تدبیر شرعی اجتماعی دیگری که باعث سبک خاص جامعه اسلامی است امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. فقه تاکید می‌کند، امر به معروف و نهی از منکر از واجبات بسیار مهم و بزرگ اسلام به شمار می‌آید، : «وَالْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ....» (توبه: ۷۱)

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر تا آنجایی است که حضرت رسول اکرم ﷺ آن را ضمانتی برای سلامت جامعه می‌داند:

لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نُزِعَتْ عَنْهُمْ الْبَرَكَاتُ؛ همواره امت من در خیر و خوبی بسر خواهند برد مادامی که امر به معروف و نهی از منکر نموده و در کارهای نیک همکاری داشته باشند و اگر این امور را ترک کنند برکت از میان آنان خواهد رفت (نوری، ۱۲، ۱۸۱)

از انجایی که افراد مؤمن به سرنوشت یکدیگر علاقمند بوده و به منزله یک پیکر می‌باشند. پیوند سرنوشت‌ها موجب می‌شود که تخلف و انحراف یک فرد، در کل جامعه تاثیر بگذارد؛ چنان‌که یک بیماری واگیر در صورتی که معالجه نگردد، از فرد به جامعه سرایت نموده و سلامت آن را به خطر می‌اندازد. بنابراین وجوب امر به معروف و نهی از منکر ضرورت می‌یابد.

جامعه ای که با تدابیر فقه اسلامی، افراد آن با پرداخت خمس و زکات و بخشش مالی یکدیگر را یاری می‌کنند، پیوند مستحکمی میان آنان برقرار می‌گردد بنابراین سبک خاصی از زندگی اسلامی همراه با آرامش دیده می‌شود.

۵. آسیب شناسی جامعه اسلامی

در این مرحله فقه اسلامی مواردی را خاطر نشان می‌کند که موجب ضرر اجتماعی است؛ پس به افراد مسلمان هشدار می‌دهد که از آن‌ها دوری گزینند؛ برخی از این آسیب‌ها اقتصادی و برخی آسیب‌های اخلاقی هستند که در ذیل به شرح برخی از آنها می‌پردازیم:

۱-۵. کم‌فروشی

فقه دیدگاه قرآن، مبنی بر اینکه، کم‌فروشی آثار زیانباری بر فرد و اجتماع و نیز در زندگی دنیوی و اخروی دارد را صریحا اعلام می‌دارد:

و لَا تَقْضُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أُرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ؛ در مبادلات، از وزن و کیل کم نگذارید، من خیر شما را می‌خواهم و بر شما نگران عذاب روز قیامت هستم که شما را احاطه خواهد کرد.

ای مردم! کیل و وزن را به طور کامل رعایت کنید و به مردم، کم نفروشید و در زمین به فساد برنخیزید» (هود: ۸۴، ۸۵). و نیز تاکید می‌کند که پیمانانه و ترازو را به طور کامل پرکنید: **وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ** (اعراف: ۸۵).

از خسران‌های اجتماعی و از زشت‌ترین سرقت‌های پنهان کم‌فروشی است که در روایات نیز بر زشتی و ترک آن تأکید شده است: امام رضا علیه السلام کم‌گذاشتن و کاستن از پیمانانه و ترازو را از گناهان کبیره برشمرده است. (شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ۱/۱۳۴)

کم‌فروشی در کار و خدمات و کالا و مانند آنها از مصادیق حرکت بر خلاف موازین عدلی است که پایه‌های هستی و انسان و جامعه بر آن نهاده شده است اما جامعه اسلامی با تکیه بر ارشادهای فقه از این رهگذر به سلامت عبور می‌کند.

۲-۵. رشوه

رشوه پدیده شوم اجتماعی است که موجب آسیب به زندگی اجتماعی می‌گردد از این رو فقه با الهام از قرآن، با قاطعیت مردم را از این امر نهی می‌کند:

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدُلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ مال‌هایتان را در میان خود به باطل مخورید و آن را به صورت رشوه به حکام و قاضیان ندهید تا در نتیجه گروهی بتوانند اموال را به ظلم و ستم بخورید در حالی که شما می‌دانید. (بقره: ۱۸۸)

گناه رشوه بسیار بزرگ است که دامن رشوه‌گیرنده و رشوه‌دهنده هر دو را می‌گیرد و به آتش جهنم و عذاب الهی گرفتارشان می‌سازد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

خدا لعنت کند رشوه‌گیر و رشوه‌پرداز و کسی را که دلال میان آنها است؛ از رشوه گرفتن دوری کنید که این کار بمنزله کفر محض است و شخص رشوه‌خوار از رحمت خدا بدور می‌باشد (مجلسی، ۱۴۰۴، ۹/۲۴)

رشوه یک پدیده شوم اجتماعی است و از مصادیق بارز فحشا و فساد محسوب می‌گردد. علاوه بر مفسد فردی بزرگ‌ترین مانع اجرای عدالت اجتماعی و قانون به حساب می‌آید و سبب می‌شود، قوانین که قاعدتاً باید حافظ منافع طبقات ضعیف باشد به سود مظالم

طبقات نیرومند که باید قانون آنها را محدود کند، بکار می‌افتد. فقه اسلامی با نهی از رشوه، جامعه اسلامی را به سوی سلامت و رشد سوق می‌دهد.

۳-۵. ربا

یکی دیگر از ضررهای اجتماعی واز کارهای مالی، که قرآن مسلمانان را از دست زدن به آن نهی فرموده ربا خواری است. معامله‌ی ربوی، کم و بیش در همه زمان‌ها و در همه جوامع وجود داشته است و امروز نیز وجود دارد. برخورد قرآن با پدیده‌ی ربا خواری بسیار تند و تهدید آمیز است: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ؛ خداوند سود ربا خواری را نابود کرد و صدقات را فزونی بخشید و او مردم بی‌ایمان و گنهکار را دوست نمی‌دارد». (بقره: ۲۷۶) از این رو در روایات اسلامی ربا خواری به شدت نهی شده، به طوری که گناه یک درهم ربا را بیشتر از هفتاد بار زنای با محارم دانسته‌اند. (قمی، ۱۳۶۳، ۹۳/۱)

بر اساس فرهنگ قرآن، نظام اقتصادی بر اساس ربا، روبه نابودی است پس با تدبیر فقه، جامعه اسلامی از این هلاکت‌رهایی می‌یابد.

۴-۵. قمار

گرچه قمار عمل یک فرد است اما از آنجا که بازی قمار جز با دو نفر یا بیشتر صورت نمی‌گیرد می‌توان آن را در زمره خسران‌های اجتماعی قلمداد کرد.

قمار عبارت است از قربانی کردن انسان، مال و شرف خود را برای به دست آوردن مال غیر با بازی‌های شیطانی و حيله‌های مخصوصی که آن را عاشقان این مرض مهلک می‌دانند. این قمار بلایی عظیم و مصیبتی بزرگ است. چه خانه‌های آبادی را که خراب کرده و چه اموال بسیاری را که بر باد فنا داده است که اگر صاحبان آن از راه حلال و از طریق کارهای سودمند از آن استفاده می‌کردند، منافع بسیاری به آنان عاید می‌گردید.

دلیل بر این مطلب قول خداوند متعال است که می‌فرماید: «إِنَّمَا يَرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيُضِدَّكُمْ عَنِ الذِّكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ» (مائده: ۹۱)

قمار مرضی مهلك است که زهر و میکروب آن در عروق اغنیاء بلکه فقرا نیز سرایت کرده و اموال آنان را ضایع نموده، این از بدترین امراض اخلاقی و مضرترین آفات اجتماعی است. از این رو در فقه اسلامی قمار بازی را در صورتی که برد و باخت در آن شرط شده باشد، به طور کلی حرام دانسته و حتی نشستن در مجلس شراب و قمار را نیز جایز نمی شمارد همچنین پولی که از این راه به دست آمده باشد حرام می باشد و هر گونه معامله و داد و ستد با این پول باطل است. (توضیح المسائل مراجع، ۱۳۹۶، ۲/۲۰۲)

قمار باز دزد است و دارای شرافت نیست. قمار تولید حسد و کینه و دشمنی می نماید - و انسان را به سوی فنا و نیستی می کشاند - و فائده بردن یکی از آنان بسته به ضرر دیگری است، که تا یکی ضرر و زیان نبرد دیگری فائده نخواهد برده پس آن که خسارت کرده و زیان برده است عداوت و کینه آن که فائده برده است در دل می گیرد. (فکری، ۳۹۸-۴۰۰).

برخی از آسیب های اجتماعی منشاء اخلاقی دارند که فقه با شناسایی آنها راه درست را به جامعه اسلامی نشان می دهد.

۵-۵. قتل

قتل مؤمن یک آسیب اجتماعی حساب می شود که قرآن کریم شاید پس از شرک از بزرگ ترین گناهان شمرده شده است. آن جا که می فرماید: «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعْنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا» (نساء: ۹۳)

برخورد این آیه با کسی که مؤمنی را بکشد بسیار تهدید آمیز و تند است که اگر کسی مؤمنی را از روی عمد به قتل برساند کیفرش جهنم است و برای همیشه در عذاب آن به سر می برد و چنین کسی مورد غضب و لعن خداست.

حضرت رسول اکرم ﷺ زشتی و حرمت قتل مومن را این گونه بیان می دارد: «قتل المومن اعظم عندالله من زوال الدنيا؛ بزرگی خسارت قتل مومن در پیشگاه خدا بیشتر از نابودی همه دنیا است.» (هندی، ۱۴۰۴ ح ۳۹۸۸۰)

فقه اسلامی با توجه به آیات و روایات، قتل را خطری بزرگ برای جامعه و فرد معرفی نموده

تا بندگان ممتاز خدای رحمان با کمال مراقبت، از هرگونه خون ریزی پرهیز کنند و به این وسیله جامعه را از این آسیب بزرگ در امان نگه می‌دارد.

۵-۶. غیبت

غیبت از گناهان کبیره و به معنای بدگویی پشت سر دیگران است؛ خداوند در قرآن شدیداً از غیبت نکوهش نموده و از آن نهی کرده است و می‌فرماید: «وَلَا يَغْتَبْ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ» (حجرات: ۱۲)

امام صادق علیه السلام:

من قال في مؤمن ما رآه عيناه و سمعته اذناه فهو من الذين قال عز و جل ان الذين يحبون ان تشيع الفاحشة في الذين آمنوا لهم عذاب اليم؛ کسانی که درباره مسلمانی آن چه (را که) با چشم خود دیده اند و یا با گوش خود شنیده اند بگویند، آنان از کسانی هستند که خداوند درباره آن‌ها می‌فرماید کسانی که دوست دارند گناه در میان مسلمانان اشاعه پیدا کند، برای آنان عذاب دردناکی است (کلینی، ۲، ۳۵۷)

به واسطه حکم فقه اسلامی مبنی بر حرام بودن غیبت، جامعه را از افزایش فساد، رسوایی بی‌آبرویی و دور شدن قلوب افراد ایمن می‌سازد.

۵-۷. سخن چینی

بر اساس پیش‌دهی فقه یکی دیگر از آفت‌های زندگی اجتماعی سخن چینی است: «وَيُلِّ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ» (همزه: ۱) زیرا سخن چینی در جامعه موجب سلب اعتماد افراد نسبت به یکدیگر شده و سبب از بین رفتن بزرگترین سرمایه اجتماعی در جامعه می‌شود.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «الا انبئكم بشرا ركم؟ قالوا: بلى يا رسول الله صلى الله عليه وآله قال: المشاؤون بالنميمة، المفرقون بين الاحبة، الباغون للبراء المعاييب؛ آیا شما را از شریرترین افراد خبر دهم؟ گفتند: آری ای رسول خدا! فرمود: آنها که بسیار سخن چینی می‌کنند، در میان دوستان جدایی می‌افکنند و برای افراد پاك و بیگناه در جستجوی عیوبند». (کافی، ۲، ۴۳)

اسلام سخن چینی را از منکرات اجتماعی معرفی کرده و به شدت با آن مبارزه می‌کند و موجب ارتباط سالم در جامعه می‌گردد.

۸-۵. تمسخر و استهزاء

تمسخر یکی دیگر از ضررهای اجتماعی می‌باشد که فقه با الهام از قرآن نهی نموده است: «لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ خَيْرًا مِنْهُمْ؛ نباید قومی قوم دیگر را مسخره و استهزاء کنند شاید آن قوم که مسخره می‌کنید بهترین مؤمنین باشند.» (حجرات: ۱۱)

«معنی مسخره این است که کسی را تحقیر و اهانت کنی و طوری دیگران را بر عیوب و نواقص او توجه دهی که باعث خنده آن‌ها شود. این عمل گاهی توسط تقلید از گفتار و کردار دیگران و گاهی به وسیله ایماء و اشاره محقق می‌شود.» (شبر، ۱۳۸۴، ۲۳۲)

بسیاری از تنش‌های جامعه به واسطه استهزا به وجود آمده و امنیت اخلاقی جامعه را با خطر مواجه می‌سازد اما با تدبیرات فقه، جامعه اسلامی از این تنش‌ها به دور است.

نتیجه

فقه با تکیه بر قرآن و روایات، برای سلامت و بهبود زندگی اجتماعی مردم تلاش‌های فراوانی نموده است از این رو با توجه به مسائل اقتصادی و اخلاقی جامعه، احکام و تدابیری قرار داده است که این امر جامعه اسلامی را از سایر جوامع ممتاز می‌سازد. پس دانش فقه تأثیر گسترده‌ای در سبک زندگی جامعه دارد. وجود احکام مربوط به جامعه اسلامی، سبک زندگی متفاوتی را نیز برای انسانها رقم خواهد زد که در زندگی مردم اثر گذاشته است.

دانش فقه، در راستای نیل به معرفت اجتماعی، با بیان معارف اجتماعی در فرایند سبک زندگی جامعه تأثیر گذار است. این امر از طریق بینش افزایی فقه در تربیت اجتماعی صورت گرفته است. سپس فقه از طریق طراحی مسئولیت اجتماعی به پرورش و تربیت افرادی پرداخته است که به وظایف اجتماعی همانند خمس، زکات دوری از رذائل اخلاقی خود عمل کرده و بر این اساس در جامعه اسلامی افراد نسبت به یکدیگر بی تفاوت نیستند. سبک زندگی اجتماعی که نشأت گرفته از فقه اسلامی است یک جامعه پیشرفته و سالم را نشان می‌دهد.

کتابنامه

- قرآن کریم، مترجم: ناصر مکارم شیرازی، دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی) ابن فارس، احمد بن فارس (۱۹۷۹). **معجم مقاییس اللغه**. دارالفکر
- احمدی، ابوالفضل (۱۳۹۸). سبک زندگی اسلامی در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری. **فصلنامه مطالعات میان فرهنگی**، دوره ۱۴، شماره ۳۹، ۱۴۸-۱۲۱
- اعرافی، علی رضا (۱۳۹۵). **فقه تربیتی**. مؤسسه اشراق و عرفان
- برن، آگ، کوف، نیم. **زمینه‌ی جامعه‌شناسی**. بی‌جا، مؤسسه انتشارات فرانکلین، بی‌تا، نشر دهم
- بنی‌هاشمی خمینی، محمد حسن (۱۴۹۶). **توضیح المسائل مراجع**. قم، دفتر انتشارات اسلامی
- تمیمی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۷۵). **غررالحکم**، انتشارات دانشگاه تهران،
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۷). **درآمدی بر نظام نامه تربیتی جامعه المصطفی**. قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، دوم
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴). **الصحاح تاج اللغة و الصحاح العربیه**. بیروت، دارالعلم
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). **وسائل الشیعه**. قم، موسسه آل‌البتیت (ع)
- حرانی، ابن شعبه (۱۳۶۳). **تحف العقول عن آل رسول الله ﷺ**. قم، انتشارات اسلامی
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹). **صحیفه امام**. تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، پنجم
- خوانساری، سیداحمد (۱۴۰۵). **جامع المدارک**. تهران، مکتبه الصدوق، دوم
- داوودی حسینی‌زاده، محمد (۱۳۸۹). **سیره تربیتی پیامبر. و اهل بیت علیهم‌السلام**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، اول
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲). **لغت نامه**. تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه، چاپ اول
- شیر، عبدالله (۱۳۸۴). مترجم جباران، محمد رضا، **الاخلاق**. قم، هجرت
- شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴). **عیون اخبارالرضا**. موسسه الاعلمی للمطبوعات
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴). مترجم موسوی، محمد باقر، **ترجمه تفسیر المیزان**. قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). **مجمع البحرین**. تهران، کتاب فروشی مرتضوی

عبدالناصر، جمال (۱۴۱۱). *موسوعه فی الفقه الاسلامی*، مصر، المجلس الاعلی لشئون الاسلامیه فکری، علی، مترجم گلپایگانی، محمد باقر. درد و درمان، ترجمه کتاب الامراض الاجتماعیه و علاجها. بی جا، بی تا،

فیض کاشانی، محسن (۱۴۰۳ ه ق). *محجّه البیضاء*. بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات قرائتی، محسن (۱۳۸۳). *تفسیر نور*. تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، تهران، چاپ یازدهم، چاپ اول

قرشی، علی اکبر (۱۳۷۸). *قاموس قرآن*، تهران. دارالکتب الاسلامیه، ششم قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳) *تفسیر القمی*، قم؛ دارالکتاب، سوم کلینی، محمد بن یعقوب، مترجم مصطفوی، الکافی، جواد، بی جا، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، بی تا.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴). *بحار الانوار*. لبنان، موسسه الوفاه، محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۳۸۵). *شرائع الاسلام*. بنیاد معارف اسلامی، سوم مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول مهدوی کنی، محمد سعید (۱۳۹۲). *دین و سبک زندگی*. چاپ دوم، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام نجفی، محمد حسن (۱۳۶۲). *جواهر الکلام*. بیروت، دار احیا التراث العربی، هفتم نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸). *مستدرک الوسائل*. بیروت: لبنان، اول هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۸۹). *مجله فقه اهل بیت علیهم السلام*. ش ۳۲ هندی، علاءالدین متقی بن حسام الدین (۱۴۰۹). *کنز العمال*. بیروت. موسسه الرساله الیاس، الیاس الطون (۱۳۵۸) مترجم: طباطبایی، مصطفی، فرهنگ نوین، کتابفروشی اسلامی، بی تا

